

# سفرنامه بهلر



۱۵۵

● منصور چهرازی

## سفرنامه بهلر

(جغرافیای رشت و مازندران)

تألیف  
میسیو بهلر

(در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار)

با کوشش: علی اکبر خاکپرست

■ سفرنامه بهلر (جغرافیای رشت و مازندران)

■ تالیف: میسیو بهلر

■ به کوشش: علی اکبر خاکپرست

■ ناشر: توس، تهران، ۱۳۵۶

را برای به خدمت گرفتن افسران فرانسوی به فرانسه اعزام نمود، پس از ورود آنان، موسیو بهلر با درجه سرتیبی به استخدام نیروهای نظامی ایران درآمد و سفرنامه‌اش را پس از انتصاب به این سمت به رشته تحریر در آورد.<sup>۱</sup>

این سفرنامه همان گونه که خود آورده است «شرح تفتیشات نظامی» است «[این] مختصری است از تفصیل حصول و نتایج تفتیشات نظامی و غیره که حسب‌الامر سرکار اعلیحضرت شاهنشاه روحنا و روح‌العالیین فدا، این بنده درگاه، موسیو بهلر، سرتیب و مهندس دولت‌علیه در سفر و مأموریت از دارالخلافه الی رشت و ازلى و کنار دریا و مرداب، الی مازندران و استرآباد و رود گرگان از آق قلعه الی خواجه نفس و گمشده دیده و از روی دقت رسیدگی کرده و حال که مراجعت نموده معروض می‌دارم». البته بهلر مسیر «ساری» تا «تهران» را به دلیل کمالت نتوانسته است به خوبی توصیف نماید: «وجون به واسطه ناخوشی مزاج، فدوی از ساری الی دارالخلافه را به چاپاری آمد، ممکن نشد که کفات و محسنات آن راه را به تفصیل ذکر نماید».<sup>۲</sup>

نسخه‌ای از این سفرنامه که مورد استفاده مصحح محترم قرار گرفته است «نسخه منحصر به فرد بوده و در کتابخانه ملی ایران به شماره ۸۸۶/۷۰۷ موجود است. خطان شکسته نستعلیق و ساده می‌باشد». هر صفحه‌ای نسخه شامل یازده سطر است و ایجاد عده‌های که برآن وارد است ناخواناید و بعضی از لغات و غلط بودن املای برخی از کلمات است که مصحح آن‌ها را به صورت رسی‌الخط امروزی در آورده است؛ «از آن میان است: دریایی خضر (خزر)، باروط (باروت) و مطر (متر)». علاوه بر این اسامی بعضی از رودها نیاز اسماً بهلر به اشتباه در گردیده که مصحح در پایان کتاب با استفاده از منابع مختلف صورت صحیح و امروزی آن‌ها را ذکر نموده است.

اما نسخه تصحیح شده این سفرنامه که موضوعات آن گزارش مورد نظر ما را تشکیل می‌دهد- به استثنای متن اصلی که فقد فهرست مطالب است- شامل یک مقدمه و شرح کوتاهی از زندگانی بهلر، در ابتدای کتاب، همچنین تعلیقات فهرست اعلام و منابع و مأخذ در انتهای کتاب است که تمامی به قلم مصحح کتاب است.

سفرنامه بهلر ارزش‌های جغرافیایی، تاریخی و نظامی فراوانی دارد. ارزش جغرافیایی کتاب در آن است که بهلر در سفرنامه‌اش به اسامی رودها، سرچشمه‌های، مصب، مسیرهای عبور، میزان عمق و محل تلاقی رودها با یکدیگر، اسامی کوهها، انواع محصولات کشاورزی و صنایع دستی، چگونگی و نوع آب و هوای اسامی آمازاده‌ها، تعداد خانوارها، وضعیت بد راهها و عدم سرمایه‌گذاری دولت در این زمینه، نقاط استراتژیک، میزان بارندگی، انواع بیماری‌های رایج، نوع بناها، انواع حیوانات و درختان و... در هر منطقه اشاره نموده است که می‌تواند دست‌مایه‌ای برای پژوهشگرانی باشد که در زمینه جغرافیای ایران به تحقیق مشغولند.

به عنوان نمونه بهلر در توصیف منطقه گیلان می‌نویسد: «و گیلان عموماً مملکت پر منفعتی است و از قبیل ماهی و برق و زیتون و ابریشم و اشپل<sup>۳</sup> ماهی در آن وفور دارد. و درخت‌های جنگلی میوه‌دار و غیره، در آن بسیار است. و خانه‌های رشت تفاوت بسیار با خانه‌های سایر ممالک ایران دارد. مثل آنکه خانه‌های رشت جمیعاً از چوب و تخته است و

که در عصر ناصری از رتبه استادی دارالفنون به درجه سرتیبی در ارتش ایران تایل آمد.<sup>۴</sup> از آن جایی که به کارگیری مستشاران نظامی مسئله‌ای سیاسی محسوب می‌شود و ماده پنج‌عهدنامه ایران و انگلیس (۱۲۹۹ هـ. ق. / ۱۸۱۳ م.)<sup>۵</sup> نیز معطوف به همین موضوع بود، به همین دلیل استفاده بهلر فرانسوی که در جنگ دوم هرات نیز خدمات شایانی به قشقون ایران کرده بود، مورد تنقد دولت انگلیس بود لذا سعی در حذف وی از ارکان ارتش ایران داشتند، به گونه‌ای که این معنی در گزارش رسمی حسن‌علی خان گروسوی در مذکوره با هنری راوی لینسون<sup>۶</sup> سفیر انگلیس به خوبی آشکار است. راوی لینسون به تعریض گفته بود: «اگر چه دولت ایران را به دوستی پاسایر دول متع نمی‌کنیم، اما نباید دولت دیگر را بر ما ترجیح بدهند یا کسی را با ما هم چشم قرار دهند. مثلاً می‌بینند که شما از برای تعلیم عساکر خود از فرانسه معلم برده، متعلمین خود را به پاریس فرستاده... و خرید اسیاب و اسلحه خود را منحصر به پاریس کردند و موسیو بهلر را که از اهل فرانسه است محل اعتماد خود قرار داده برای استحکامات سرحدیه خود فرستاده‌اند».<sup>۷</sup> با این وجود هنگامی که دولت ایران فرخ خان امین‌الدوله خدمت به ایران را پیشنه خود ساخت<sup>۸</sup> و به پاس خدمات وی بود

## بهره‌جمعی از همایان



هنگامی که میرزا تقی خان  
امیرکبیر مصمم به تاسیس  
دارالفنون گردید، بر آن شد تا با  
استخدام استادان اروپایی چرخ‌های  
آن را به گردش درآورد. از جمله  
استادانی که در دوره اول  
به استخدام دولت ایران درآمد،  
موسیو بهلر فرانسوی بود

بهلر با استفاده از تجربیات خود  
در کمال تدبیر و صداقت، خدمت به  
ایران را پیشه خود ساخت و به پاس  
خدمات وی بود که در عصر ناصری  
از رتبه استادی دارالفنون به درجه  
سرتیبی در ارتش ایران نایل آمد

از متن سفرنامه: «این بنده درگاه،  
موسیو بهلر، سرتیپ و مهندس  
دولت علیه در سفر و ماموریت‌از  
دارالخلافه الی رشت و اனزلی و  
کناردریا و مرداد، الی مازندران و  
استرآباد و رود گرگان از آق قلعه  
الی خواجه نفس و گمشن تپه دیده و  
از روی دقت رسیدگی کرده و حال  
که مراجعت نموده  
معروض می‌دارم»

گیلان و فور دارد واقعه آن بدین موجب است: قزلآل،  
سگ ماهی، سفیدماهی، آزادماهی، ماهی سیم و سایر اقسام  
آن و زراعت آن مملکت اکثر برنج است».<sup>۱۰</sup>  
ذکر نام بانی برخی از قریبها، پل‌ها، حاکمان مناطق مورا  
بازدید وی، اقدامات عمرانی شاه عباس اول صفوی در برخی ا  
شهرهای شمالی ایران، کوچاندن خانوهای ترکمان از سوی  
اقامحمدخان قاجار به نکادلیل ویرانی بعضی از قریبها با  
وسیله ترکمانان با جگاه و انواع یاغی گریهای این قوم  
سیاست‌های نظامی و اقتصادی روس در مناطق شمالی ایران  
و قدرت قوای بحریه آن، در این مناطق و از همه مهم‌تر دلیل  
ایجاد استحکامات نظامی از سوی این دولت در جزیره آشوراده  
و تحلیل قضایی مربوط به آن.<sup>۱۱</sup> کوچاندن «افغانه» توسط  
نادرشاه افسار بمقارنه، کوچاندن ایل «عبدالمکنی» ساکن در  
شیزار بمحل نور و از آن جا به دلیل اقدام آنان، به دزدی  
بعقاریی که در دهنه میان کالمس توسط میرزا اقاخان نوری  
همین منظور بنا شده بود... از سوی بهلر از جمله‌فاید  
تاریخی سفرنامه وی است.

در بعد نظامی، از آن جایی که بهلر وابسته نظامی دولت  
ایران بوده است بنابراین وی هر ناحیه را با توجه به ویژگی‌های

ناخوشی نوبه و تپ و لرز همیشه اوقات در این شهر فراوان  
است و این مرض موقوف و بسته به گرمی‌ها می‌باشد. هر  
قدر هوا گرمتر می‌شود نوبه فراوان و بیشتر است، و درد گوش  
زیادتر از از درد چشم. و درختهای بی‌نمی که در این مملکت  
به هم می‌رسانندین موجب است: درخت بلوط، زبان گنجشک،  
درخت‌چنار، سفیدار، شجرالنبع، سرو، شمشاد، بید، قطران،  
آزاددرخت گز و درخت ابریشم. و درختهای بی‌نمی که میوه  
آنها خوردنی است می‌باشد به موجب تفصیل است: آلو بالا،  
انجیر، انار، زالزال، گردو، سیب‌های ازگیل و لکور.  
و علاوه بر اینها بیانات جنگلی نیز بسیار یافته‌شده.  
و درختهایی که دستی می‌نشانند از این قرار است: توت، زیتون،  
زردالو و غیره، الوبالو، نارنج و لیمو، بهانجیر، انار، ازگیل،  
گردو، هل، سیب، گلابی، انگور، نیشکر، تبریزی و چنار.  
و ناخوشی مذکوری که در آن ولايت است بدین موجب است  
که در عرض آن سال ملاحظه کردن شش روز برف و  
باران با یکدیگر مخلوط می‌بارید و به همین نسبت در عرض  
سال بارندگی در آن مملکت می‌شود.  
و ناخوشی مذکوری که در آن ولايت است بدین موجب است  
که اظهار می‌شود: وعج المفاصل، فتق طوطیت معده، استسقاء،  
طپش قلب، اندروب، جرب‌بایس، درد دندان و از این قبیل  
الی غیرالنهایه، و ناخوشی‌هایی که در آنجا استمراری ندارد و بر  
حسب اتفاق و ندرت واقع می‌شود از قرار تفصیل ذیل است:  
خوره، اقیچ، ناخوشی‌های صرع و جوع. از اینها گذشته

مرده بود، از این رو سوء ظنی راجع به مرگ او پیدا شد. و به امر شاه پزشکان فرنگی انجمن کردند.  
همگی استشهاد نوشتند که: «از بخار زغال یا نقاوتی که در وجود او بوده، خفه شده».  
(آدمیت، فردیون: امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۸، ص. ۳۵۸).

۳) همان، ص. ۳۵۸.

۴) بهلر: سفرنامه بهلر، به کوشش علی اکبر خدابیرست: تهران: توسع، ۱۳۵۶، ص. ۷.  
۵) این ماده می گوید: «هر گاه اولیای دولت علیه ایران خواهند که برای تعییم و تعلم نظام از فرنگ معلم به ایران بباورند، مختارند که از مملکتی از مالک فرنگ که با دولت بهیه انگیز منزع و جلال نداشته باشد، معلم بگیرند».  
(آدمیت، پیشین، ص. ۲۸۴).

6) Henry Rawlinson

۷) آدمیت، پیشین، ص. ۲۸۴ و نیز بنگرید به: محبوی اردکانی، حسین: تاریخ مؤسسات تعلیمی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، جلد اول، ص. ۲۷۲.  
۸) بهلر، پیشین، ص. ۸.

۹) همان، ص. ۱.

۱۰) همان، ص. ۷۴.

۱۱) همان، ص. ۴.

۱۲) همان، ص. ۴.

۱۳) در گیلان «اشبل Ashbol» و در مازندران Eshbel گویند که همان تخم ماهی است. (همان، ص. ۲۶).  
۱۴) همان، صص ۱۵-۱۶.

۱۵) بهلر در این مورد می نویسد: «لهذا روس در آنجا- آشوراده- اوضاعی فراهم آورده است که منظور بولتیک است. ولی چنان فهمانده است که به جهت دفع و رفع ترکمانان است و در هرجایه این اسم شهرت داده است و مردم چنین می گویند که روس در آنجا قلعه ساخته که اسباب و ادویات جنگ در آنجا فراهم می آورد. و این قول بسیار خلاف است و این طور نیست. زیرا که رگاه بخواهد منازعه کند با یک کشتی جنگی و قشون بحری همی تواند با دولت علیه جنگ کند به نوعی که محتاج به آنجا هم نباشد، بلکه میل او این بود که یک قطعه زمینی در آن محل داشته باشد تا به رعایا و مردم خاطرنشان کند این معنی را که من می توانم با دویست نفر سرباز رفع صدمه ترکمان را بکنم و حاکم استوار آباد با پانزده هزار نفر توانست شر آنها را کوته کند و از عده‌هان برآید. و گرفتن آن قطعه زمین از آنها ممکن نمی شود. زیرا که حاجی میرزا آقاسی به آنها واگذار کرده است».(همان، صص ۶۴-۶۵).

۱۶) همان، ص. ۲۲.

۱۷) همان، ص. ۵۹.

۱۸) همان، ص. ۲۱.

۱۹) همان، ص. ۶۷.

۲۰) به نقل از: حاجی‌ری، عبدالهادی: نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با در روبه تمدن بورژوازی غرب تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص. ۳۰۸.

۲۱) متن اصلی «سفرنامه بهلر» دارای ۷۴ صفحه است.

سفرنامه بهلر معروف به جغرافیای رشت و مازندران شرح سفری است که موسیو بهلر فرانسوی سرتیپ دربار ناصرالدین شاه نوشت و از خود به یادگار گذاشته است

استراتژیکی آن مورد بررسی قرار داده و در نهایت کلیه اقداماتی را که برای مقابله با لشکریان روسیه و نیز ترکمانان ضروری بوده ذکر کرده است.

دقت نظر وی در این کار به گونه‌ای است که حتی میزان هزینه ساخت استحکامات و بناهای تدافعی و جاده‌های عبور تپیخانه را برای دولت ایران تخمین زده است:

«نمره اول: باید بنا نمود یک قلمه آجری که مرکباز شش فرونت باستیان باشد در محل ازلی که طرفدریا و دهنه‌ی مرطاب را حفظ و حراست نماید و خرج او تخمین هفتاد و دو هزار تومان است».

نکته جالب توجه این که بهلر برای ختم غایله‌ترکمانان نسخه‌ای برای دولت ایران تجویز می کند که همواره در طول تاریخ ایران برای جلوگیری از تهاجم و شورش اقوام صحرائگرد مورد استفاده قرار گرفته است: «بعد از ساختن مرائب برسیه و اتمام بناهای مزبوره و اطاعت آن جماعت و طایفه [ترکمانان] باید به قدر نصف آنها را از محل مسکن و نشیمن خودشان کوچانیده به اطراف و اکناف ولایات ممالک محروسه ایران پراکنده و متفرق نمود و مسکن داد. و در عرض آنها از سایر ولایات، رعیت به مقام آنها فرستاد».

علاوه بر این‌ها سفرنامه بهلر اطلاعات سودمند و مهم دیگری هم در مورد وضع نیروهای نظامی ایران در عصر ناصری به ما منتقل می کند. این اطلاعات به گونه‌ای است که سفرنامه وی را تا اندازه زیادی از دیگر سفرنامه‌های این عصر متمایز می‌سازد. هنگامی که بهلر در توصیف تپیخانه و نیروهای نظامی ایران مستقر در ازلی می نویسد:

«تپیخان و اهل نظام آنجا به هیچ‌وجه اسلحه و لباس ندارند و به نوعی حرکت می نمایند و راه می روند که احمدی نمی تواند آنها را از گدا و سائل فرق و تمیزدهد. و برای گذران خود تمام اسباب و ملزوماتی که داشته‌اند به گرو گذاشتند. زیرا که مدتی است که جیرمه مواجب به آنها نرسیده است و باقیر سلطان نام که تپیخان آنجا به او سپرده می باشند، نهایت بدسلوکی را به آنها می نماید و با آنکه از عمل نظام به کلی و شب غوطه‌ور و بهندرت آئیه را در نظر می گیریم. مگر جمعیت و حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا اقتاب که قبل از رسیدن به شما به مامی تابد تاثیرات مفیدش در سر ما کمتر از سر شماست؟ یا خذایی که مرآتی مشترک در سر ما می باشد از سر شماست؟ یا خذایی که مراحت می‌زند و جیره و مواجب آنها را زود به زود می‌دهند و بمقابل آنوقه دارند که از مصرف خودشان زیادتر است... و هر یک از آنها تفکنی دارند که به قدر یک هزار و صدتر در محل قراول باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم».

ختم کلام این که سفرنامه بهلر علی رغم حجم بسیار اندک آن<sup>۱۱</sup> حاوی نکات ارزنده و بسیار طرفی درباره اوضاع ایران در عصر ناصرالدین شاه می باشد. اگرچه خود مؤلف بر جنبه «نظامی» سفرنامه‌اش تاکیدهارد.

#### پی‌نوشت‌ها و توضیحات:

##### 1) Bohler

۲) «زانی اطربیشی: مهندس نظام و معلم ریاضیات بود. ترجمه ای او را میرزا ملکم به عهده داشت... زانی مردی عصی مزاج بود، به همین علت خلافی از او سر زد بود که خواستند به خدمتش خاتمه دهند. در ۶ ربیع‌الثانی ۱۲۷۰ در گذشت و او را در کلیسای ارامنه در محله دروازه به خاک سپرده‌ند. چنین اتفاقی افتاده در همان روزها «کارتنا» نیز